

حضور دانشمند محترم پوهاند داکتر سید خلیل الله هاشمیان!

مقاله پر محتوا و نهایت ارزشمند شما را که در «پورتال افغان جرمن آنلان» ، بتاريخ ۲۳.۰۹.۲۰۱۲ منتشر گردیده است، با دقت مطالعه نموده، از آن فیض بردم. برای اینجانب خیلی جالب و آموزنده می باشد. خداوند بشما صحت و وقوت بیشتر با طول عمر دراز نصیب نماید. من زبان شناس نیستم، اما با دو زبان پشتو و دری از آوان طفولیت بزرگ شده ام. هر لحظه وقتی دوران مکتب را بیاد می آورم، که استادان عزیز کشور ما، روح آنها شاد باد، ما را با قواعد گرامری و غیره قواعد لسانی آشنا می ساختند، حال وقتی، بخصوص به نوشته های بعضی از هموطنان «مهاجر» ما، نظر می اندازم، که در هر دو زبان عمده کشور باستانی ما، یا با دست باز، مشغول کلمه سازی اند و یا اینکه چنان قیوداتی را بنام زبان شناس وضع می کنند، بخصوص در زبان پشتو، که در حقیقت، دست و پای این زبان های تاریخی ما را می بندند. عنوان مطلب شما، «زبان دری باید از نفوذ فارسی ایران و زبان پشتو از نفوذ پشتوی پشاور دور نگهداشته شوند» مرا قلباً بخود جذب نمود. آنچه در متن مطالعه نمودم، خیلی آموزنده یافتم.

شناخت شما از اساسات زبان، بخصوص آنچه در باره زبان غنی عربی تذکر داده اید، با پیشنهاد شما درباره رشد شاخه های متذکره زبان «دری- فارسی» یا «دری - پارسی»، شایسته استقبال گرم میدانم. عنوان شما، نمایانگر وفاداری به هویت ما افغان هاست. آنچه مردم ما، در طول تاریخ ایجاد و رشد داده اند، بحیث دستاورد، اگر کم باشد و یا زیاد، حفظ و حمایت از آن، برای مردم کشور ما، از ارزش عالی و حیاتی برخوردار است، که شما دانشمند محترم وطن ما، بصراحت بیان داشته اید.

همه ما می دانیم که در کشور «کثیراللاتینک»، ما این دو زبان «پشتو» و «دری» یا «دری - فارسی»، که دو زبان عمده و رسمی اند، دارای یک ریشه، مشابه با درخت پر شاخه است. اما علاوه ازین دو زبان، بخش های متعدد مردم کشور زده ما، به زبانهای دیگری هم تکلم می کنند، که برای ما گرانقدر است و از جمله دارائی و ملکیت فرهنگی کشور و جامعه ما محسوب میگردند، که باید از تلاش های رشد آنها نیز بخاطر حفظ و تحکیم همبستگی اجتماعی ملت ما، حمایت نمائیم.

این زبانهای کشور ما از یک دیگر کلمات را طوریکه شما خوب فرموده اید، «وام» گرفته اند و می گیرند. این «وام» های متقابل، بر غنای فرهنگی ما می افزاید. اینرا همه می دانند، که «زبان» جز فرهنگ بوده، وقتی فرهنگ را دانشمندان در حالت رشد و تکامل می بینند، زبان هم بصراحت با این آهنگ قدم می گذارد. بناءً اگر یکی از زبانهای کشور ما، غنی باشد، باید همه مامتکلمین زبان های دیگر خرسند باشیم، زیرا در وقت ضرورت «وامگیری» کار ما را سهل می سازد. ما نباید در قدم اول، رشد یک زبان ملی ما را به ضرر زبانهای دیگر ما بپذیریم. ولی در رابطه با زبانهای یک فامیل که در خارج از سرحدات وطن ما موجود اند، باید بر طبق نظر شما، از جانب محافل علمی و با صلاحیت هر یک ازین کشور ها، مشترکاً، کلمات و اصطلاحات تبادل گردند.

فقط درک و قبول این اصل که «وام»، در همه زبانهای بی شمار معمول است، در عین زمان آگاهان فرق میان ملکیت اصلی و «وام» را بدون رنجش و تبعیض می دانند. تبصره روی این موضوع را که زبانهای «انگلیسی» (که در چندین کشور منجمله در انگلستان، اضلاع متحده امریکا، کانادا و غیره)، «آلمانی» (آلمان فدرال، اتریش و سویس) و «عربی» (درکشورهای کثیری که علاوه برنام واحد، برای اصطلاح «عربی مصری» در تفاوت با «نیمه جزیره عرب» می بندند)، بعنوان مثال در چه کشور ها و با چه تفاوت ها، وجود داشته و در جوامع مربوطه روز تا روز بر گنجینه زبانهای خود افزایش می بینند، بحضور شما یک امر اضافی می دانم، لیکن ذکر آنرا فقط برای دوستان خواننده دیگر، بعنوان تکرار احسن، قابل اجازه خواهی می دانم.

زبان عربی براستی طوریکه در نوشته مقبول شما می خوانیم:

« زبان عربی از زاویه علم زبان شناسی یک زبان (زایا) است .خداوند(ج) در قرآن " زبان فصیح عربی "»

صفت (فصاحت) را بان متصف ساخته، اما دلیل اینکه چرا قرآن بزبان عربی نازل گردیده از زاویه علم زبان شناسی اینست که این زبان یک زبان (زایا) است، یعنی از یک کلمه مشتقات متعدد ساخته شده می تواند، و چهارده قرن قبل زبان دیگری با این صفت وجود نداشت که اگر قرآن بزبان دیگری نازل می گردید مطالب و مفاهیم آن شاید در پنج جلد مانند قرآن گنجانیده می شد»

زبانی است غنی و «زایا»، طوریکه شمادرسر تشخیص نموده اید. از جانب دیگر کشور اسلامی ما، که مردم متدین و مؤمن دارند، در طی قرون با قرائت و سماعت کتاب مقدس «قرآن شریف» کم و بیش کلمات و مفاهیمی را در زبان «ابتنی» خود پذیرفته اند، که بعضاً ممکن ندانند که ریشه عربی خواهد داشت. بناءً نه تنها لازم نیست که در همچو مورد، در تحت نام «خالص» نگهداشتن لسان، که بعضاً مدعی خواهند بود، کلمات مروج را دور سازیم، بلکه به ضرر اجتماع ما میتواند تمام شود. کلماتی را که مردم ما، در داخل کشور با آنها عادت نموده اند، می توانند روان از آن کار گیرند. اینکه پشتو از دری و دری از پشتو وام بگیرد، به نسبت تابعیت در یک دولت و در حیات ملی، ترجیح داده می شود، که چنین کلمات را، با کلمات وارد شده از «تهران»، «تاجکستان» و یا «اسلام باد» تعویض کرد. از آنجائیکه در مضمون شما، خیلی عالمانه توضیح شده است، از تبصره و تفصیل در مورد خودداری می نمایم. به امید نوشته های بیشتر شما.

پای